

رسانه‌ها و نظام اخلاقی در جامعه‌ی معاصر*

O فیلیپ اسمیت**

مترجم: معصومه اکبرزاده لاله

Moral Culture

Keith Tester

Sage

۱۹۹۷



نویسندگان ارائه می‌دهد آن هم براساس جهت‌گیری آنان نسبت به پروژه‌های تمدن (مدنیت عمل‌باورانه)،^{۲۷} فرهنگ (همبستگی گویا^{۲۸} و انسان‌باوری^{۲۹})، و Kultur (صور خاص‌گرا^{۳۰} و نخبه‌گرای^{۳۱} هویت فرهنگی). با این که این تمایزها سهم واقعاً مفیدی در نظریه‌ی اجتماعی دارند، ولی برای پیوند آن‌ها به موضوعات دو فصل پیشین تلاش چندانی صورت نگرفته است.

تستر متفکری توانا و جنجال‌برانگیز است، و فرهنگ اخلاقی وی مورد توجه کسانی قرار خواهد گرفت که به پیوند بین «خود»، رسانه‌ها، و نظام اخلاقی در جامعه‌ی معاصر علاقمنداند. کتاب نشان از دانش فراوان تستر دارد، هرچند برخی اشتباهات در مورد داده‌ها و تفسیرهای ناشی از آن وجود دارد. مثلاً برخلاف ادعای تستر (p.۶) جرج ارول^{۳۲} در بریگاد بین‌المللی نام‌نویسی نکرد، بلکه در ارتش چریکی اسپانیا اسم نوشت، که این نشان‌دهنده‌ی شکل کاملاً متفاوتی از همبستگی است. و این که چرا رمان کنراد^{۳۳} با عنوان لردجیم،^{۳۴} «هیچ توجهی به سرنوشت مسافران غرق شده نشان نمی‌دهد» (ص ۵۹) این است که آن‌ها غرق نشده بودند (پانتا^{۳۵} بی آن که صدمه‌ای ببیند توسط یک ناو توپدار کوچک فرانسوی به سوی آدن برده شد). بنابراین جیم در مواجهه با رنج متصور در خیال خود^{۳۶} یا رنج بالقوه و نه رنجی واقعی به تکلیف خود عمل نکرد، و احساس شرم عمیق وی و تمایل او برای بازخرید اعتبارش در دید مردم نشان

دیوید رایزمن^{۳۷} نظر می‌افکند. تستر شماری از این شکل‌های [رنج] را تعیین می‌کند، اما در عین حال معتقد است که شکل‌های «متأثر از دیگری»^{۳۸} که توسط رسانه‌های جمعی و زندگی شهری معاصر اعمال می‌شوند از نفوذ و قدرت برخوردارند درحالی که دستورهای قطعی کانتی در قدرت مستحیل شده است. این «فضایی که ظاهرش تحت‌تأثیر رسانه‌ها است» (ص ۷۵) وضعیت انسانی زندگی را به نمایشی^{۳۹} فرومی‌کاهد که دیگر از لحاظ ذهنی قانع‌کننده نیست. در نتیجه، مصرف‌کننده‌ی تلویزیون جهان وطنی غرب نگاه بی‌اعتنا^{۴۰} و عینیت‌ساز^{۴۱} خود را شتابان از بحرانی به بحران دیگر حرکت می‌دهد. بحث تستر درباره‌ی گناه پیرامون قتل‌عام مای لای^{۴۲} در سال ۱۹۶۸ است، وی می‌پرسد چگونه مردان جوان معمولی توانستند مرتکب بی‌رحمی شوند. جوابی که به ما داده می‌شود در مفهوم نیچه^{۴۳} از «خشم» و نقش آن در خشونت برون‌ریزی شده‌ی گروه پاریا^{۴۴} نهفته است. این فصل از کتاب چندان قانع‌کننده نیست، پیوند بین مطالعه‌ی موردی و بقیه‌ی کتاب به وضوح تبیین نشده است، در حالی که توضیح‌های تستر بیش‌تر نظری و امپرسیونیستی به نظر می‌رسد.

آخرین فصل مهم کتاب درباره‌ی تقوا، به کمک مطالعات پرپار گرتود هیمل فارب^{۴۵} و نوربرت ایلاس^{۴۶} و زیگموند باومن،^{۴۷} پیوند بین فرهنگ و نظام اخلاقی را بررسی می‌کند. در این جا تستر تحلیلی مؤثر از این

در کتاب «فرهنگ اخلاقی»،^۱ کیت تستر،^۲ ماهیت در حال تغییر نظام اخلاقی را در جهان معاصر که قویاً تحت‌تأثیر رسانه‌ها است بررسی می‌کند. کتاب حول چهار محور «بی‌اعتنایی»^۳، «تکلیف»^۴، «گناه»^۵ و «تقوا»^۶ است که در عین حال انسجام چندانی با هم ندارند. دو فصل اول از این چهار فصل کاملاً به هم مربوط‌اند زیرا بحث مشترکی را درباره‌ی رسانه‌ها، رنج^۷ و خود^۸ دنبال می‌کنند، دو فصل بعدی بیش‌تر به مقالات مستقل و جداگانه شباهت دارند تا فصل‌های منسجم یک کتاب. تستر در بررسی «بی‌اعتنایی» و اشاره به گرایش‌های جهان‌شمول رسانه‌های همگانی به آلفرد وبر^۹ و آنتونی گیدنز^{۱۰} رجوع می‌کند و می‌گوید که این گرایش‌ها موجب آشفتگی ذهنیت فرد می‌شوند. تستر اظهار می‌کند که ما جنگ‌ها و شقاوت‌هایی را که در کشورهای دیگر رخ می‌دهند به صورت «اموری کاملاً پیش‌پافتاده» و «اموری که رفته رفته غیرجالب می‌شوند»، و همین‌طور به منزله‌ی اموری «کاملاً کسالت‌بار» تجربه می‌کنیم. تستر با رجوع به نوشته‌های زیمل^{۱۱} در مورد شهر و پول، این «حالت بیزاری‌جویانه»^{۱۲} را براساس عادت به حضور رسانه‌ها و تلویزیون در زندگی غربی و نیاز افراد امروزی به حفظ حس «اجتناب»^{۱۳} یا حفظ فاصله از محیطشان تشریح می‌کند.

بحث تکلیف، در تبیین ابعاد ذهنیت اخلاقی انسان مسؤلیت‌پذیر در مواجهه با رنج (رنج متأثر از درون^{۱۴}، متأثر از سنت، رنج کانتی و غیره) به هانا آرنه^{۱۵} و

مصرف کننده‌ی تلویزیون
جهان وطنی غرب
نگاه بی‌اعتنا و عینیت ساز خود را
شنابان از بحرانی به بحران دیگر
حرکت می‌دهد



- ۱۸. Spectacle
- ۱۹. Gaze
- ۲۰. Objectifying
- ۲۱. Mylai
- ۲۲. Nietzsche
- ۲۳. Pariah
- عضو کاست فرودست هندو
- ۲۴. Gertude Himmelfarb
- ۲۵. Norbert Elias
- ۲۶. Zygmunt Bauman
- ۲۷. Pragmatic Civility
- ۲۸. Expressive Solidarity
- ۲۹. Humanism
- ۳۰. Exclusionary
- ۳۱. Elitist
- ۳۲. George Orwell
- ۳۳. Conrad
- ۳۴. Lord jim
- ۳۵. Patna
- ۳۶. Imagined
- ۳۷. Audience Apathy
- ۳۸. Rodney King
- ۳۹. Diversity
- ۴۰. Engagement
- ۴۱. Fatalism
- ۴۲. Determinism

تضاد،^{۲۰} و حتی همبستگی گاهگاهی، می‌تواند امکانی باشد برای مقابله با جریان نومیدکننده‌ی سرنوشت‌باوری^{۲۱} و جبرباوری^{۲۲} یاس‌آور تکنولوژیک و زیست‌محیطی (فصل یک)، جریانی که مورد توجه تحلیل جهان وطنی تستر است.

پانویس‌ها:

* عنوان مقاله، برگزیده کتاب ماه است.

** Philip Smith, University of Queensland

- ۱. Moral Culture
- ۲. Keith Tester
- ۳. Indifference
- ۴. Duty
- ۵. Guilt
- ۶. Virtue
- ۷. Suffering
- ۸. Self
- ۹. Alfred Weber
- ۱۰. Anthony Giddens
- ۱۱. Simmel
- ۱۲. Blase attitude
- ۱۳. Reserve
- ۱۴. Inner directed
- ۱۵. Hannah Arendt
- ۱۶. David Riesman
- ۱۷. Other - directed

می‌دهد که هم از درون هدایت می‌شود و هم از بیرون. احتمالاً خوانندگان علاقه‌مند به مطالعات تجربی این ایراد همیشگی را به فرهنگ اخلاقی می‌گیرند که اثر باید مبتنی بر شواهد باشد. تستر از بی‌احساسی مخاطب^{۲۳} تحلیل نظری عمیقی ارائه می‌کند؛ اما این را که آیا مخاطبان واقعاً بی‌احساس هستند، بدون اثبات مسلم فرض می‌کند و در ارائه‌ی چنین ادعایی تا حد خیلی زیادی بر ادعاهای خام، تجربیات خودش و ارجاعات به نظریه‌پردازان دیگر تکیه می‌کند. شاید او می‌توانست بهتر عمل کند اگر توجه‌اش را جلب ادبیات پروپاقرصی نظیر قوم‌نگاری گروه مخاطب می‌کرد، یعنی آن جایی که جامعه‌شناسان با مردم و از واکنش‌های آنان نسبت به تصاویر حاکی از رنج و بی‌رحمی سخن می‌گویند. این اثر تحقیقی، به نگرش‌ها و احساسات گوناگونی استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که مخاطبان می‌توانند از طریق حوزه‌ی عمومی اعمال فشار کنند. مثلاً، تأثیر پوشش خبری رسانه‌ها از وضعیت‌گردها در پایان جنگ خلیج فارس یا عکس‌العمل آمریکائیان افریقایی‌تبار (و بسیاری از سفیدها) به بخشی از فیلم مجازات رادنی کینگ^{۲۴}. به اعتقاد من یکی از حالت‌های ممکن مخاطبان در مقابل بیرحمی، احساس کسالت است. و این وظیفه تحقیقات جامعه‌شناختی است که به جای مسلم فرض کردن یک عکس‌العمل همگانی، تفسیرهای گوناگون از متون رسانه‌ای تبیین و منشاء آن‌ها را تعیین کند. چنین تحقیقی با استناد به چندگانگی^{۲۵}، درگیری و